

## عفت و پاکدامنی در کلام و سیره حضرت زینب علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا\*

### مقدمه

حفظ کرامت و شخصیت انسان و جوامع انسانی، در گرو پاسداری از فرهنگ عفاف است. فاصله گرفتن از فرهنگ عفاف، نه تنها باعث سقوط کرامت و عزت فرد می‌شود؛ بلکه طبق شواهد تاریخی ملت‌ها را از هستی ساقط می‌کند.<sup>۱</sup> ارزش و فضیلت عفاف تا آنجاست که ائمه هدی علیهم السلام در دعاهای خود برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل بودند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام از درگاه خدای متعال چنین درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقَىٰ وَالعِفَّةَ»<sup>۲</sup> خدایا من از درگاه تو هدایت و تقوا و عفت می‌خواهم». در این راستا علم اخلاق برای انسان، چهار صفت اصلی اخلاقی «شجاعت»، «عفت»، «حکمت» و «عدالت» را مطرح می‌کند<sup>۳</sup> که «عفت» در میان آن‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد.

### معنای عفت

امام جعفر صادق علیه السلام در معنای عفت فرموده است: «وَالْعِفَّةُ وَضِدُّهَا التُّهْتُّكُ»<sup>۴</sup> یکی از سجایای اخلاقی، عفت است که ضد آن، بی‌پروایی است. فخرالدین طریحی در مجمع‌البحرین، واژه عفت را این‌گونه معنا کرده است: «عفت، بازداری روح و روان

\* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. عبدالکریم پاک‌نیا؛ عفاف سرچشمه زیبایی؛ ص ۱۴.

۲. تقی‌الدین ابراهیم کفعمی؛ مصباح کفعمی؛ ص ۲۸۳.

۳. محمد بن محمد نصیرالدین طوسی؛ اخلاق ناصری؛ ص ۴۸.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۲۱.

از گناهان و دست نیاز دراز نکردن به سوی دیگران است.<sup>۱</sup> راغب اصفهانی نیز گفته است: «عفت، یعنی به وجود آمدن حالتی برای نفس انسان که او را از غلبه یافتن شهوت حفظ می‌کند».<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیت عفاف و پاکدامنی، این خصلت زیبا را در شکل‌گیری شخصیت و نیز در سیره و سخن حضرت زینب علیها السلام مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱. فرزند آیه تطهیر

حضرت زینب علیها السلام در محیطی متولد شد و رشد کرد که مهد عفت و پاکدامنی بود. مادر بزرگش، حضرت خدیجه علیها السلام و مادر ارجمندش حضرت فاطمه علیها السلام عقیف‌ترین و پاک‌ترین زنان عالم هستند. ایشان در خانواده‌ای رشد یافت که قرآن مجید پاکی آنان را امضا نموده است: «**أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**»<sup>۳</sup> خداوند می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

در شأن نزول آیه تطهیر آمده است که این آیه در خانه ام‌سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و هنگام نزول آن افزون بر پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسین علیه السلام نیز حاضر بودند. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله پارچه‌ای خیبری (کساء) را بر روی خود و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسین علیه السلام قرار داد و دست‌ها را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: «**اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي... اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا**»<sup>۴</sup> خدایا! اهل بیت من این چهار نفرند... اینان را از هر پلیدی پاک و مطهر گردان». ام‌سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا من نیز در شمار اهل بیت علیها السلام قرار دارم؟». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تو از همسران رسول خدا و (بر راه) خیر هستی».

در سنن ترمذی<sup>۵</sup> و تفسیر روح المعانی<sup>۶</sup> - از منابع مهم اهل سنت - نیز این معنا تأیید شده است.

۱. فخرالدین طریحی؛ مجمع البحرین؛ ج ۵، ص ۱۰۲.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ج ۱، ص ۵۷۳.

۳. احزاب: ۳۳.

۴. ر.ک: علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۱۹۳؛ علی بن محمد خراز قمی؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام؛ ص ۶۶؛ مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۷، ص ۱۳۰.

۵. محمد بن عیسی ترمذی؛ سنن الترمذی؛ ج ۵، ص ۳۲۸.

۶. محمود بن عبدالله آلوسی؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۱، ص ۱۹۵.

## ۲. وارث خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ۴۲ آل عمران فرمود: «فُضِّلَتْ خَدِيجَةُ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي كَمَا فَضِّلَتْ مَرْيَمُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> خدیجه علیها السلام بر بانوان امت من برتری دارد، هم چنانکه مریم علیها السلام بر بانوان عالم برتری دارد». نقش مادر در تربیت عقیفانه دختر، بسیار مهم است؛ چنانکه حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت زهرا علیها السلام را عقیفانه تربیت کرد و آن حضرت نیز با تربیت دخترش حضرت زینب علیها السلام، حفظ عفت و عصمت و حجاب را به تمام بانوان عالم آموخت. حضرت زینب علیها السلام در دامان چنین مادری تربیت شده و از تبار چنان مادر بزرگی رشد و نمو یافته است.

## ۳. ازدواج عقیفانه

ازدواج، یکی از بهترین راهکارهای قرآنی برای حفظ عفت و پاکدامنی است؛ زیرا تشکیل خانواده موفق از عوامل عفت است؛ چه بسا دخترانی که در خانواده‌های عقیف و متدین رشد یافته است، اما به دلیل انتخاب نادرست و وصلت با خانواده غیرمذهبی از حجاب که نشانگر عفت و پاکدامنی است، فاصله می‌گیرند. بنابراین ازدواج با افراد عقیف در تداوم عفت و پاکدامنی اهمیت والایی دارد. حضرت زینب علیها السلام در این زمینه نیز برای جوانان و بانوان، الگوی شایسته‌ای است.

از منظر قرآن، ازدواج و انتخاب همسر از آیات الهی است که آرامش زن و مرد را به دنبال دارد و انس، الفت و مودت در میان زوجین، موهبتی الهی است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۲</sup> و از آیات خداوندی است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یابید و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد. در این حقیقت نشانه‌هایی از خداست برای کسانی که اهل تفکرند».

حضرت زینب علیها السلام در عمل به این پیام قرآنی، الگوی تمام دختران و زنان مؤمنه است. وقتی آن حضرت به سن ازدواج رسید، از میان خواستگاران متعدد تقاضای عبدالله بن جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه را پذیرفت. مهریه آن حضرت مطابق مهریه مادرش فاطمه علیها السلام، یعنی ۴۸۰ درهم معین شد.<sup>۳</sup>

۱. عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی؛ تفسیر نور الثقلین؛ ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. روم: ۲۱.

۳. من علماء البحرين و القطیف؛ وفيات الأئمة؛ ص ۴۳۵.

عبدالله در سرزمین حبشه و در ایام اقامت پدر بزرگوارش، جعفر ابن ابی طالب علیه السلام متولد شد. مادرش، اسماء بنت عمیس از مسلمانان مهاجر به حبشه است. او نخستین مولود مسلمانان در حبشه بود که در کودکی با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمود. پدرش، جعفر، فرمانده اول سپاه اسلام در جنگ موته بود که در مقابل لشکر ۱۰۰ هزار نفری امپراطوری روم جوانمردانه جنگید و بعد از قطع دستانش به شهادت رسید.<sup>۱</sup> عبدالله همواره مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بود تا اینکه به افتخار دامادی امام علی علیه السلام نائل شد. او درباره محبت امیرالمؤمنین علیه السلام به پدرش جعفر گفته است: «عمویم علی علیه السلام، آنقدر پدرم جعفر طیار را دوست داشت که چون تقاضایی از عمویم داشتم و او را به حق پدرم قسم می‌دادم، آن را می‌پذیرفت».<sup>۲</sup>

عبدالله همواره در میدان‌های جنگ جمل و صفین، در حمایت از علی علیه السلام حاضر بود و در جنگ صفین، از سران سپاه اسلام به شمار می‌آمد.<sup>۳</sup> شخصیت‌نگاران اسلامی، عبدالله را به صفاتی چون زیرکی، نکته‌سنجی، خوش‌خلقی، پاکدامنی و بخشندگی ستوده و او را بحرالوجود نامیده‌اند.<sup>۴</sup> نقل است پیامبر صلی الله علیه و آله درباره عبدالله - که در بازی‌های کودکانه فروشندگی را دوست داشت - چنین دعا فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُ فِي صَفْقَةِ يَمِينِهِ»<sup>۵</sup> خدایا به او در کسب و کارش برکت بده» و او به برکت این دعا، یکی از تجار موفق و دارای مال و مقامی شد که بسیار نیز سخاوتمند بود. این دعای پیامبر صلی الله علیه و آله عبدالله را به قطب تجارت و محور سخاوت تبدیل نمود که بعد از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام از نیکوکاران نام‌آشنای مدینه به شمار می‌رفت. کار به جایی رسید که معاویه او را با عنوان سید بنی‌هاشم خطاب می‌کرد، اما عبدالله این لقب را قبول نکرد و آن را مختص به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دانست.<sup>۶</sup>

### طرح یک پرسش

در باره عبدالله بن جعفر ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا عبدالله بن جعفر

۱. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۳۲۱.
۲. سید محسن امین عاملی؛ اعیان الشیعة؛ ج ۴، ص ۱۲۶.
۳. عایشه بنت‌الشاطی؛ زینب بطله کربلا؛ ص ۸۱.
۴. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ ج ۳، ص ۸۱.
۵. نورالدین جزایری؛ الخصائص الزینبیه؛ ص ۱۶۸.
۶. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ج ۶، ص ۲۹۷.

طیار، همسر حضرت زینب علیها السلام، در کربلا حضور نداشت؟

**پاسخ:** همچنان که در تاریخ آمده عبدالله بن جعفر - شخصیت والا مقام خاندان ابی طالب علیها السلام با سابقه‌ای درخشان - خود عاشق شهادت در رکاب امام حسین علیها السلام در انقلاب کربلا بود و حضرت زینب علیها السلام و دو فرزندش، عون و محمد را با رضایت کامل و علاقه‌مندی با قافله عاشورائیان همراه نموده بود. شیخ مفید در ارشاد می‌نویسد: «أَمَرَ ابْنَتَيْهِ عَوْنًا وَ مُحَمَّدًا بِالزُّومِ وَ الْمَسِيرِ مَعَهُ وَ الْجِهَادِ دُونَهُ»<sup>۱</sup> زمانی که عبدالله بن جعفر یقین نمود که امام حسین علیها السلام به سفر عراق می‌رود، به فرزندانش عون و محمد امر کرد که ملازم حضرتش باشند و با قافله سالار شهیدان همراه باشند و در رکاب امام حسین علیها السلام شمشیر بزنند. بعد از برگشت کاروان عاشورا به مدینه هم، عاشقانه اعلام کرد: «وَ اللَّهُ لَوْ شَهِدْتُهٖ لَأَحْبَبْتُهٗ إِلَّا أَفَارِقَهُ حَتَّى أُقْتَلَ مَعَهُ...»؛ به خدا سوگند! اگر در کنار امام حسین علیها السلام بودم، دوست داشتم هرگز از وی جدا نشوم تا این که در نزد او شهید شوم». بعد ادامه داد: به خدا چیزی که مرا خوشنود می‌کند و در شهادت دو فرزندم دلداری به من می‌دهد، این است که آن دو در رکاب امام حسین علیها السلام به شهادت رسیدند و جان خود را در راه یاری‌اش فدا کرده و بر مصائب شکیبائی ورزیدند. اگر من شخصاً نتوانستم یاری‌اش کنم، دو فرزندم او را یاری کردند.<sup>۲</sup>

عبدالله با اینکه علاقه شدید به امام حسین علیها السلام و نهضت الهی‌اش داشت، بنا به دلائلی در کربلا نتوانست حضور یابد و به این توفیق عظیم نائل شود از جمله:  
**یک.** معذور بودن از صحنه جنگ: وی به علت نایب‌نایی نتوانست در کربلا حضور یابد، اما همسرش را با دو پسرش با قافله کربلا همراه نمود<sup>۳</sup> و دو پسرش را سخاوت‌مندانه در راه امام خویش قربانی کرد.

**دو.** احتمال مأموریت: برخی از صاحب‌نظران هم احتمال مأموریت وی از طرف سیدالشهدا علیها السلام را مطرح کرده‌اند؛<sup>۴</sup> زیرا وجود شخصیت بانفوذی، همچون عبدالله بن جعفر در مدینه می‌توانست از خطراتی که بنی‌هاشم را تهدید می‌کرد، جلوگیری کند.  
**سه.** عدم نگرش حضرت زینب علیها السلام: هم‌چنانکه او مشتاقانه حضرت زینب علیها السلام و دو

۱. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۱۲۴؛ محمد بن جریر؛ تاریخ طبری؛ ج ۴، ص ۳۵۷.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۶۹.

۴. نورالدین جزایری؛ الخصائص الزینبیه؛ ص ۱۷۷.

پسرش را روانه کربلا نمود و هنگام بازگشت از حضرت زینب علیها السلام استقبال و دلجویی نمود؛ حضرت زینب علیها السلام هم بعد از حادثه کربلا هرگز عبدالله را به جهت عدم حضور نکوهش نکرد.

**چهار.** افزون بر عبدالله جعفر، بزرگان دیگری هم مثل جابر بن عبدالله انصاری و محمد حنفیه و ... بودند که برای عدم حضور مذمت نشده‌اند؛ چون یا معذور بودند و یا مأذون بوده‌اند. اگر چه عده‌ای دیگر از متنفذین مطرح همانند سلیمان بن سرد و همفکرانش نه تنها عذر موجهی برای عدم حضور نداشتند؛ بلکه بر عکس تکلیف بر حضور داشتند؛ زیرا امام علیه السلام را دعوت کرده بودند یا مانند عبیدالله بن حر جعفی که امام علیه السلام شخصاً دعوت به همراهی کرده بود.<sup>۱</sup>

علامه حلی و علامه مجلسی، دو عالم برجسته شیعه از شخصیت عبدالله جعفر در این زمینه دفاع کرده‌اند و عدم حضور وی را موجه می‌دانند.<sup>۲</sup> آیت‌الله خویی (ره)، شخصیت‌شناس و رجال‌نگار برجسته جهان تشیع هم می‌نویسد: «جلالت عبدالله جعفر به مرتبه‌ای است که نیازی به ستایش دیگران و دفاع از او نیست».<sup>۳</sup>

#### ۴. تربیت فرزندان صالح

عفت و پاکدامنی موجب می‌شود که بنیان خانواده مستحکم و بستر به وجود آمدن فرزندان صالح فراهم شود. از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا و از اساسی‌ترین آموزه‌های قرآنی، تربیت فرزند صالح است و این آرزوی مقدس خانواده‌های عفت‌پیشه، در کلام وحی چنین طرح شده است: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»<sup>۴</sup> مؤمنان راستین دعا می‌کنند که پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم به ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!

در زندگی زینب کبری علیها السلام این موضوع به وضوح نمایان است که در اثر عفاف خانواده، زمینه تربیت فرزندان صالح مهیا شد و خانواده آن حضرت، از کامل‌ترین

۱. محمد بن علی ابن‌اعثم کوفی؛ الفتوح؛ ج ۵، ص ۷۴؛ گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام؛ موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ ص ۳۶۵.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۲، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۳. سید ابوالقاسم خویی؛ معجم رجال‌الحدیث؛ ج ۱۱، ص ۱۴۷.

۴. فرقان: ۷۴.

مصادیق این آیه شریفه قرار گرفت و پنج فرزند شایسته به نام‌های عون، محمد، علی، عباس و ام‌کلثوم به جامعه اسلامی تقدیم شد.<sup>۱</sup> شخصیت والای دو تن از آنان در محفل عاشورائیان قرار گرفت.

### ۵. رعایت عفت در اجتماع

یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه امروز، کم‌رنگ شدن حجاب اسلامی در میان برخی مسلمانان است. اگر چه خیل عظیمی از خانواده‌ها به الگوهای قرآنی و دینی اعتقاد قلبی دارند، اما اگر آنان به زندگی عفیفانه حضرت زینب علیها السلام که یکی از بهترین الگوهای جامعه است، توجه کنند؛ یقیناً در سبک زندگی خود تجدیدنظر خواهند کرد. حضرت زینب علیها السلام با الهام از پیام آسمانی قرآن و بنا بر آموزه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام حجاب و عفت را مانند گوهری ارزشمند برای یک زن مسلمان می‌دانست و بر این باور بود که زن، هنگامی به خدای خود نزدیک‌تر است که خود را از معرض دید مردان بیگانه حفظ کند. از همین رو بود که خود را کاملاً از دید نامحرمان پوشیده نگاه می‌داشت. اهمیت این مسئله زمانی مشخص می‌شود که به نقش عفیفانه پدر در مراقبت از عفاف دختر توجه شود. متأسفانه امروزه برخی خانواده‌ها نسبت به موضوع غیرت پدر و مراقبت از عفت دختران بی‌تفاوت شده‌اند. به دو نمونه و شاهد تاریخی اشاره می‌شود:

الف. امام علی علیه السلام همواره مراقب بود هیچ چشمی قد و قامت دخترش زینب علیها السلام را نبیند و صدای او را نشنود. از این رو به امام حسن علیه السلام می‌فرمود: «أَحْسَى أَنْ يَنْظُرَ أَحَدٌ إِلَى شَخْصِ أُخْتِكَ زَيْنَبَ؛<sup>۲</sup> بیم دارم که چشم نامحرم به اندام خواهرت زینب علیها السلام بیفتد.»<sup>۳</sup>

ب. شیخ مفید ماجرای ورود به کوفه را از زبان شخصی به نام حذلم بن ستیر، چنین گزارش می‌کند:

وَرَأَيْتُ زَيْنَبَ بِنْتَ عَلِيٍّ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَلَمْ أَرْ خَفِرَةً قَطُّ أَنْطَقَ مِنْهَا كَأَنَّهَا تُفْرَغُ عَنْ لِسَانِ  
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَقَدْ أُوْمَأَتْ إِلَى النَّاسِ أَنْ اسْكُتُوا - فَازْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَسَكَتَتْ

۱. من علماء البحرين و القطيف؛ وفيات الأئمة؛ ص ۴۳۵؛ محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. همان.

۳. من علماء البحرين و القطيف؛ وفيات الأئمة؛ ص ۴۳۵.

الْأَصْوَاتُ فَقَالَتْ - الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى أَبِي رَسُولِ اللَّهِ أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ...<sup>۱</sup> و به راستی که هرگز زنی باحیاط‌تر و سخنورتر از او ندیده بودم. گویی از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می‌گفت - دختر علی علیه السلام را دیدم که با دست به سوی مردم اشاره فرمود که ساکت شوید - در حال تمام نفس‌ها خاموش و همه صداها فرو نشست؛ سپس فرمود: سپاس از آن خداست و درود بر پدرم رسول‌خدا؛ اما بعد، ای کوفیان... .

شهید مطهری رحمه الله این واقعه را این چنین نقل کرده است:

در دروازه کوفه (دختر علی علیه السلام، دختر فاطمه علیها السلام اینجا تجلی می‌کند)، این زن باشخصیت که در عین حال زن باقی ماند و گرانها؛ خطابه‌ای می‌خواند. روایان چنین نقل کرده‌اند که در یک موقع خاصی زینب علیها السلام موقعیت را تشخیص داد: «وَقَدْ أَوْمَأْتُ النَّاسَ أَنْ اسْكُتُوا فَازْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَنَتِ الْأَجْرَاسُ»؛<sup>۲</sup> یعنی در آن هیاهو و غلغله که اگر دهل می‌زدند، صدایش به جایی نمی‌رسید؛ گویی نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و صدای زنگ‌ها و هیاهوها خاموش گشت، مرکب‌ها هم ایستادند (آدم‌ها که می‌ایستادند، قهراً مرکب‌ها هم می‌ایستادند). خطبه‌ای خواند. راوی گفت: «وَلَمْ أَرَوْا اللَّهَ خَفِرَةً قَطُّ انْطَقَ مِنْهَا».<sup>۳</sup> این «خَفِرَةً» خیلی ارزش دارد. «خَفِرَةً» یعنی زن باحیا. این زن نیامد مثل یک زن بی‌حیا حرف بزند. زینب آن خطابه را در نهایت عظمت القا کرد. در عین حال دشمن می‌گوید: «وَلَمْ أَرَوْا اللَّهَ خَفِرَةً قَطُّ انْطَقَ مِنْهَا»؛ یعنی آن حیای زنانگی از او پیدا بود. شجاعت علی علیه السلام با حیای زنانگی در هم آمیخته بود... این است نقش زن به شکلی که اسلام می‌خواهد؛ شخصیت در عین حیا، عفاف، عفت، پاکی و حریم. تاریخ کربلا به این دلیل مذکر - مؤنث است که در ساختن آن، هم جنس مذکر عامل مؤثری است، ولی در مدار خودش و هم جنس مؤنث در مدار خودش. این تاریخ به دست این دو جنس ساخته شد.<sup>۴</sup>

۱. محمد بن محمد مفید؛ *الأمالی*؛ ص ۳۲۱.

۲. محمدباقر مجلسی؛ *بحار الأنوار*؛ ج ۴۵، ص ۱۰۸.

۳. همان.

۴. مرتضی مطهری؛ *مجموعه آثار*؛ ج ۱۷، ص ۴۰۹.



### دفاع از عفت اهل بیت علیهم السلام

زینب کبری علیها السلام در شام و در میان نامحرمان، از عفاف و حجاب دفاع می‌کرد. در مجلس یزید به اهمیت حجاب اشاره کرد و به یزیدیان نهیب زد:

أَمِنَ الْعَدْلُ يَا بَنَ الطُّلُقَاءِ؟! تَحْدِيثُكَ حَرَائِرُكَ وَإِمَاءُكَ؟؛ وَسَوْفُكَ بَنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبَّأِيَا؟؛ قَدْ هَتَكَتِ سُتُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ؛ تَحْدُو بِهِنَّ الْأَعْدَاءُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ؛ وَ يَسْتَشْرِفُهُنَّ أَهْلُ الْمَنَاهِلِ وَالْمَنَاقِلِ؛ وَيَتَصَفَّحُ وُجُوهَهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ وَالذَّنِيُّ وَالشَّرِيفُ؛<sup>۱</sup> ای پسر آزادشدگان (کسانی که جدمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فتح مکه اسیرشان کرد و سپس آنان را آزاد نمود) آیا این عدالت است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده بنشانی؟ و دختران رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ پوشش آنان را دریدی و روی آنان را گشودی تا دشمنان، آنان را از شهری به شهر دیگر ببرند و بومی و غریب چشم به آنها بدوزند و نزدیک و دور، شریف و غیرشریف چهره آنان را بنگرند.

حضرت زینب علیها السلام ضمن رساندن پیام مقاومت حماسه عاشورا از کربلا تا شام، از عفاف و پاکدامنی خود و خاندان عصمت و طهارت نیز با تمام وجود مراقبت و محافظت نمود که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود.

### حمایت از دختران امام حسین علیهم السلام

فاطمه بنت الحسین علیها السلام روایت کرده است که چشم یکی از شامیان سرخ‌گون در مجلس یزید به من که دختری زیباچهره بودم، افتاد. به یزید گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَبْ لِي هَذِهِ الْجَارِيَةَ؛ ای امیر مؤمنین! این کنیزک را به من ببخش». بدنم از این سخن به رعشه افتاد و لرزه سراپای مرا فرا گرفت و گمان کردم چنین واقعه شومی اتفاق می‌افتد. بی تابانه لباس عمه‌ام، زینب علیها السلام را گرفتم و به دامن او پناهنده شدم. عمه‌ام که می‌دانست هیچ‌گاه چنین اتفاقی نمی‌افتد، خطاب به آن مرد شامی گفت: «كَذَّبْتَ وَاللَّهِ وَ لَوْ مَتَّ وَاللَّهِ مَا دَلَّكَ لَكَ وَلَا لَهْ؛ به خدا دروغ می‌گویی و برای همیشه مورد سرزنش و ملامت خواهی بود. چنان نیست که پنداشته‌ای. نه تو می‌توانی به این مقصود برسی و نه یزید می‌تواند چنین اقدامی کند». یزید خشمگین شد و گفت: «دروغ می‌گویی. من

۱. احمد بن علی طبرسی؛ الإحتجاج علی اهل اللجاج؛ ج ۲، ص ۳۰۸؛ محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛

می‌توانم به او دست پیدا کنم و اگر بخواهم، اراده خود را عملی می‌کنم». عمه‌ام، زینب علیها السلام فرمود: «هیچ‌گاه به مراد خود نمی‌رسی و خدا تو را توان چنین منظوری نخواهد داد و هر‌گاه بخواهی بیش از این در انجام این منظور پافشاری نمایی، باید از آیین ما دست برداری و به دین دیگران درآیی». یزید از شدت خشم پریشان شد و گفت: «با مثل منی چنین سخن می‌گویی و مرا به بی‌دینی نسبت می‌دهی؟! همانا برادر و پدر تو از دین خارج شدند» و با عصبانیت ادامه داد: «وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَفْعَلَ لَفَعَلْتُ؛ و اگر بخواهم، اراده خود را عملی می‌کنم». عمه‌ام، زینب علیها السلام فرمود: «كَلَّا وَاللَّهِ مَا جَعَلَ اللَّهُ لَكَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مِلَّتِنَا وَتَدِينَ بغيرها؛<sup>۱</sup> به خدا قسم! هرگز نمی‌توانی، مگر آنکه از دین اسلام و از ملت محمد صلی الله علیه و آله خارج شوی و به دین و آیین دیگری درآیی». سپس فرمود: «ای یزید! تو به دین پدر و برادرم هدایت شدی. جدت به دست آن‌ها اسلام آورد و آزاد شد. تو آزاد شده پدرم هستی». یزید گفت: «دروغ می‌گویی ای دشمن خدا!». عمه‌ام، زینب علیها السلام فرمود: «أَنْتَ أَمِيرٌ تَشْتُمُ ظَالِمًا وَتَهْتَهُرُ بِسُلْطَانِكَ؛ امروز به خاطر غرور سلطنت موقتی، ستمگرانه به خاندان رسالت ناسزا می‌گویی! (و این روزها خواهد گذشت و حقیقت روشن خواهد شد)». یزید در مقابل پاسخ‌های شجاعانه و قاطع عمه‌ام، زینب کبری علیها السلام چاره‌ای جز سکوت ندید.<sup>۲</sup>

### فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله؛ شرح نهج‌البلاغه؛ چاپ دوم، قاهره: دار‌احیاء‌الکتب‌العربیة، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی؛ الفتوح؛ بیروت: نشر دار‌الأضواء، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله؛ الاستیعاب فی معرفة‌الاصحاب؛ چاپ دوم، حیدرآباد: دایرة‌المعارف‌النظامیة، ۱۳۳۶ق.
۴. امین عاملی، سید محسن؛ اعیان‌الشیعة؛ چاپ اول، بیروت: دار‌التعارف، ۱۳۰۴ق.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ روح‌المعانی فی تفسیر‌القرآن؛ بیروت: دار‌الکتب‌العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۶. بنت‌الشاطی، عایشه؛ زینب بطله کربلا؛ تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۹۱ش.

۱. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد؛ ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. همان.

۷. پاک‌نیا، عبدالکریم؛ عفاف سرچشمه زیبایی؛ قم: انتشارات نور الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۰ ش.
۸. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۹. جزایری، نورالدین؛ الخصائص الزینبیه؛ بیروت: دارالحوراء، ۱۴۲۵ ق.
۱۰. خراز قمی، علی بن محمد؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام؛ قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث؛ قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ چاپ اوله بیروت - دمشق: دار القلم - دار الشامیة ۱۴۱۲ ق.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج علی اهل اللجاج؛ چاپ اوله مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر؛ تاریخ طبری؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. طوسی، نصرالدین محمد بن محمد؛ اخلاق ناصری؛ تهران: نشر علمیه اسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ چاپ دوم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. کفعمی، تقی‌الدین ابراهیم؛ مصباح کفعمی؛ بیروت: نشر اعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.
۲۱. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیهم السلام؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ قم: نشر معروف، ۱۴۱۶ ق.
۲۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ تهران: نشر صدرا، ۱۳۸۴ ش.
۲۴. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد؛ قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۲۵. \_\_\_\_\_؛ الامالی؛ قم: کنگره شیخ مفید علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. من علماء البحرین و القطیف؛ وفيات الأئمة؛ قم: نشر الرضی، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۴ ق.